

اعمال اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی

ولی‌اله نوری^۱ - سید قاسم زمانی^۲

دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱

چکیده

در گذشته مخاصمات مسلحانه عمدتاً بین‌المللی بوده و کشورها با یکدیگر درگیر جنگ می‌شدند لیکن امروزه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی و داخلی رواج بیشتری پیدا کرده است و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه اغلب به مخاصمات بین‌المللی پرداخته‌اند و نسبت به مخاصمات غیربین‌المللی مقررات کمتری وضع گردیده است. به همین خاطر قابلیت اعمال برخی از مقررات بشردوستانه در زمان این نوع از مخاصمات محل تردید و تأمل است. یکی از مهم‌ترین قواعدی که موضوع چنین اختلاف نظری قرار گرفته است، اصل تناسب در زمان مخاصمه مسلحانه است. این اصل بدین معناست که خسارات اتفاقی و جنبی ناشی از یک حمله نسبت به جمعیت یا اهداف غیرنظامی نباید فراتر از مزیت نظامی مستقیم مورد انتظار از آن حمله باشد. پروتکل دوم ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ که به مقررات حاکم بر مخاصمات غیربین‌المللی پرداخته است، به این اصل اشاره نکرده است، لیکن مطابق آن چه در این نوشتار مورد بررسی است باید اصل تناسب را نسبت به این مخاصمات قابل اعمال دانست.

واژگان کلیدی: اصل تناسب، مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، اصل تفکیک، ضرورت نظامی، پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷.

۱. استادیار گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول)

valiollah.n@gmail.com
drghzamani@gmail.com

۲. دانشیار حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

۱. مقدمه

حقوق مخاصمات بین‌المللی که به بیان حقوق و مقررات قابل اعمال در زمان مخاصمات مسلحانه می‌پردازد، دارای یکسری اصول مهم و اساسی است که با عنوان اصول بنیادین شناخته می‌شوند و شامل اصولی نظیر تفکیک، ضرورت نظامی و تناسب می‌گردد. درخصوص اعمال این اصول در زمان جنگ باید میان اقسام مخاصمات مسلحانه یعنی مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی و غیربین‌المللی تفاوت گذاشت.

نسبت به قابلیت اعمال اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی تردیدها و اختلاف‌نظرهای متعددی وجود دارد. برخلاف پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ درخصوص مخاصمات مسلحانه بین‌المللی که در مواد ۵۱ و ۵۷ خود صراحتاً به اصل تناسب پرداخته است، پروتکل الحاقی دوم هیچ اشاره‌ای به این اصل و مفهوم آن ندارد، لیکن باتوجه به شدت خسارات غیرنظامی در این قبیل مخاصمات، باید قابلیت اعمال اصولی نظیر تفکیک و تناسب نسبت به آن‌ها مورد بررسی و دقت‌نظر بیشتری قرار بگیرد. در این نوشتار امکان اعمال اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مورد بررسی قرار خواهد گرفت، اما به منظور پرداختن به این امر ابتدا مفهوم و مشخصات مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی به اختصار مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا در پرتو آن بهتر بتوان امکان اعمال اصل تناسب در این مخاصمات را بررسی کرد.

یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل درخصوص حقوق بین‌الملل بشردوستانه، موضوع تفکیک میان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی و یا به عبارتی تعیین حیطه اعمال این مقررات است. ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو درخصوص مخاصمات بین‌المللی و قلمرو اعمال کنوانسیون‌ها این گونه است:

این کنوانسیون در صورتی که جنگی رسمی یا هرگونه مخاصمه مسلحانه بین دو یا چند دولت از دول متعهد روی دهد به موقع اجرا خواهد شد ولو آن‌که یکی از آن دولت‌ها وجود حالت جنگ را تصدیق نکرده باشد.

وضع قواعد نسبت به این دسته از مخاصمات با دشواری چندانی مواجه نبوده است چرا که به روابط خصمانه‌ی بین دولت‌ها مربوط می‌گردد. لیکن آنچه محل مناقشه بوده است، تسری و اعمال این مقررات نسبت به مخاصمات داخلی و غیربین‌المللی است، زیرا این مسأله به حاکمیت ملی و داخلی دولت‌ها مرتبط بوده و دولت‌ها آن‌را در صلاحیت داخلی خود قلمداد می‌نمایند و

به‌سادگی حاضر به پذیرش کاربرد این قواعد نمی‌گردند. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به موضوع مخاصمات غیر بین‌المللی می‌پردازد^۱ و فقط برخی از مقررات مربوط به مخاصمات بین‌المللی را در این درمخاصمات قابل اعمال می‌داند. ماده ۱ پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو^۲ نیز به توصیف این مخاصمات می‌پردازد.

مطابق این ماده وجود دو شرط برای احراز یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی الزامی است: اول این که نیروهای مخالف می‌بایست بر بخشی از سرزمین مسلط شده باشند و دوم این که باید قادر به اجرای پروتکل باشند. با توجه به این مسأله مشاهده می‌گردد که دامنه شمول پروتکل بسیار محدود شده است و موارد متعددی از مخاصمات را در بر نمی‌گیرد از جمله مواردی که دو یا چند گروه مسلح بدون دخالت نیروهای حکومت مرکزی یا یکدیگر مخاصمه پیدا می‌کنند (ممتاز و رنجریان، ۱۳۹۳: ۸۷-۸۵).

دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق^۳ در رأی تادیچ مقرر می‌کند که مخاصمه غیر بین‌المللی مخاصمه مسلحانه طولانی مدتی است که میان نیروهای حکومت مرکزی و گروه‌های مسلح سازمان یافته یا بین خود این گروه‌ها در قلمرو یک دولت شکل بگیرد.^۴ همان‌گونه که

۱. ماده ۳ مشترک:

چنانچه مخاصمه مسلحانه جنبه بین‌المللی نداشته باشد و در خاک یکی از دول معظمه متعاهد روی دهد هر یک از متخاصمین مکلفند که حداقل مراتب ذیل را رعایت نمایند:

الف- با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند به انضمام نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته باشند یا کسانی که به علت بیماری یا زخم یا اسارت یا هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند باید در همه احوال بدون هیچگونه تبعیضی که ناشی از نژاد، رنگ، عقیده، جنس، اصل و نسب یا ثروت یا هر علت مشابه آن باشد با اصول انسانیت رفتار شود.

اعمال ذیل در مورد اشخاص مذکور بالا در هر زمان و در هر مکان ممنوع است و خواهد بود:

* لطمه به حیات یا تمامیت بدنی من جمله قتل به تمام اشکال آن، زخم زدن، رفتار بیرحمانه، شکنجه و آزار.
* گروگان‌گیری.

* لطمه به حیثیت اشخاص من جمله تحقیر و تحقیر.

* محکومیت و اعدام بدون حکم دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضائی که ملل متمدن ضروری می‌دانند باشد.

۲. مجروحان و بیماران باید جمع‌آوری و پرستاری شوند. یک سازمان بشردوستانه‌ی بی‌طرف مانند کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند خدمات خود را به متخاصمین عرضه دارد. گذشته از مراتب فوق متخاصمین سعی خواهند کرد تمام یا قسمتی از سایر مقررات این کنوانسیون را نیز از طریق موافقت‌نامه‌های مخصوص به موقع اجرا نمایند. اجرای مقررات فوق اثری در وضع حقوقی متخاصمین نخواهد داشت.

2. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977.

3. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY).

۴. دادگاه بیان می‌کند که زمانی یک مخاصمه مسلحانه وجود دارد که دو دولت علیه یکدیگر متوسل به زور شده باشند و یا این که یک خشونت مسلحانه طولانی مدت بین مقامات و نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح سازمان یافته وجود داشته

ملاحظه می‌گردد دادگاه یوگسلاوی دو معیار طولانی مدت بودن و طرفین مخاصمه را برای توصیف مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی برگزیده است. این تعریف دامنه شمول این مخاصمات را نسبت به آنچه که در ماده ۱ پروتکل دوم آمده است توسعه داده است. ماده ۸ (۲) (و) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز همین تعریف را نسبت به این مخاصمات به کار برده است.

نهایتاً باید گفت که تفکیک قائل شدن میان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی و همچنین مخاصمات بین‌المللی شده بویژه در عصر حاضر با دشواری‌های بسیاری مواجه است، به گونه‌ای که قاضی مروون رئیس سابق دادگاه کیفری یوگسلاوی بیان می‌کند که:

«آرای صادر شده توسط شعب مختلف دادگاه یوگسلاوی درخصوص ماهیت مخاصمات رخ داده در یوگسلاوی سابق بیانگر دشواری تعریف و تشخیص مخاصمات بین‌المللی شده است» (Meron, 200: 261).

تعداد کمی از اسناد و معاهدات موجود در زمینه حقوق مخاصمات به مقررات قابل اعمال در زمان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی پرداخته‌اند و درخصوص قابلیت اعمال برخی از قواعد بشردوستانه نسبت به این مخاصمات باید هر کدام از این قواعد را جداگانه مورد بررسی قرار داد.

درخصوص اعمال اصل تناسب، به عنوان یکی از اصول کاردینال حقوق مخاصمات بین‌المللی، در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی تردیدی وجود ندارد، لیکن این نوشتار به دنبال بررسی این موضوع است که آیا این اصل مهم و بنیادین در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی هم قابلیت اجرا و اعمال دارد یا خیر؟ هرچند در ابتدا به نظر می‌رسد که حداقل اصول کاردینال حقوق مخاصمات نسبت به تمامی اقسام مخاصمات مسلحانه قابل اعمال هستند.

در ادامه این نوشتار به منظور بررسی قابلیت اعمال اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، ابتدا مفهوم اصل تناسب و مفاهیم مرتبط با آن یعنی اصل تفکیک و ضرورت نظامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس امکان تسری دادن و پیاده‌سازی اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مورد کنکاش و بررسی قرار خواهد گرفت.

باشد. دادگاه با افزودن قید طولانی مدت بودن به این قبیل مخاصمات به طور ضمنی این امر یعنی طولانی مدت بودن را یکی از شرایط مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی تلقی کرده است.

(we find that an armed conflict exists whenever there is a resort to armed force between States or protracted armed violence between governmental authorities and organized armed groups or between such groups within a State):
International Criminal Tribunal for Yugoslavia (ICTY), Prosecutor v. Tadic, Decision on The Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, Appeals Chamber, Case IT-94-1, (Oct. 2, 1995), para. 70.

۲. مفهوم اصل تناسب

در میان قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه دو اصل بسیار مهم وجود دارد که عبارتند از اصل تفکیک^۱ و ضرورت نظامی^۲. اصل تفکیک معرف تعهدی است درخصوص تمایز قائل شدن بین افراد و اهداف نظامی، به عنوان اهداف مشروع برای حمله، با غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی در جریان یک مخاصمه مسلحانه است (Kasher, 2007: 152). این اصل در ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی سال ۱۹۷۷ نیز بدین گونه بیان شده است:

به منظور تضمین احترام و حمایت نسبت به جمعیت و اهداف غیرنظامی، طرفین مخاصمه باید همواره بین غیرنظامیان با رزمندگان و بین اهداف غیرنظامی با اهداف نظامی تمایز قائل شوند و عملیات‌های خود را مستقیماً متوجه اهداف نظامی سازند.^۳

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظر مشورتی ۱۹۹۶ خود درخصوص سلاح‌های هسته‌ای، یکی از اصول اساسی حقوق مخاصمات را حمایت از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی و تمایز قائل شدن میان رزمندگان و غیررزمندگان بیان می‌نماید و دولت‌ها را مکلف می‌داند که از مورد حمله قرار دادن اهداف غیرنظامی و همچنین به کارگیری سلاح‌هایی که قدرت تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی را ندارند خودداری نمایند.^۴ اصل تفکیک در رویه کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و محاکم بین‌المللی به طور مکرر مورد تأکید قرار گرفته است، به گونه‌ای که می‌توان گفت امروزه تبدیل به یک قاعده عرفی بین‌المللی شده است (Henckaerts, 2009: 3-7). البته باید توجه داشت که مفاهیمی همچون رزمنده یا غیرنظامیان نیاز به تعریف و توضیح دارد.^۵

ضرورت نظامی هم مفهومی است که هم در حق بر جنگ و هم در حق در جنگ مطرح می‌گردد. ضرورت در حق بر جنگ به قواعد محدود کننده و تنظیم کننده اوضاع و احوالی که دولت‌ها به موجب آن می‌توانند به زور متوسل شوند اشاره دارد. لیکن در حقوق مخاصمات بین‌المللی به محدودیت‌های مربوط به روش‌ها و ابزارهای مورد استفاده‌ی طرفین در جریان یک

1. Principle of Distinction.

2. Military Necessity.

3. Art 48, 1977 Additional Protocol I, at: <https://www.icrc.org/ihl/INTRO/470>.

4. International Court of Justice, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons (Advisory Opinion) [1996], Para. 78.

۵. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

ایسون نات، (۱۳۸۷)، رزمندگان و غیر رزمندگان، ترجمه کتابون حسین نژاد، در: فلک دیترو (ویراستار)، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، به اهتمام و ویرایش سید قاسم زمانی و نادر ساعد، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش،

Melzer, Nils, (2008), The Principle of Distinction under International Humanitarian Law, in: Melzer Nils, Targeted Killing in International Law, Oxford University Press.,

مخاصمه می‌پردازد (Forrest, 2006: 179). در گذشته غالباً ادعا می‌شد که طرف‌های مخصوصه در صورت اقتضای ضرورت نظامی می‌توانند از حقوق بین‌الملل حاکم بر مخصوصات مسلحانه عدول نمایند. این ادعا بدین معنا بود که ضرورت نظامی فراتر و مافوق حقوق است، لیکن امروزه دیگر این نظریه نمی‌تواند کارایی داشته باشد. در حال حاضر بدون تردید باید پذیرفت که اگر ضرورت، حقوقی نمی‌شناسد در نتیجه حقوقی هم وجود ندارد (Dinstein, 2009: 8-10).

ماده ۱۴ کد لیبیر ۱۸۶۳^۱ ضرورت نظامی را این‌گونه شرح می‌دهد:

ضرورت نظامی شامل ضرورت اقداماتی می‌گردد که برای تضمین اهداف جنگ حتمی و ضروری بوده و به موجب حقوق مدرن، قانونی و مشروع هستند.^۲

ضرورت نظامی ماهیتی دو وجهی دارد بدین معنا که طرفین مخصوصه باید آن‌چه را که از لحاظ نظامی ضرورت دارد انجام دهند و از آن‌چه غیر ضروری است اجتناب نمایند. در حقیقت ضرورت نظامی بررسی میزان تقارن میان روش‌ها و ابزار استفاده شده از یک طرف و اهداف مورد نظر از طرف دیگر، به موجب شرایط غالب یا پیش‌بینی شده در زمان مخصوصه است. برای این که گفته شود امری از لحاظ نظامی ضروری است باید اثبات کرد که آن عمل حداقل تا حدی منجر به تحقق یک هدف نظامی از پیش تعیین شده می‌گردد (Hayashi, 2010: 41-43).^۳

ماده ۳۵ پروتکل اول نیز با بیان این که "حقوق طرف‌های مخصوصه در انتخاب شیوه‌ها و ابزار جنگی نامحدود نیست" و همچنین مفاد بندهای ۲ و ۳ خود، لزوم توجه و رعایت ضرورت در به کارگیری اقسام سلاح‌ها، مواد و شیوه‌های جنگی را نسبت به آثار آن‌ها بر انسان‌ها و محیط زیست مورد اشاره قرار داده است.

ضرورت نظامی و اصل تفکیک ممکن است در موارد متعددی با یکدیگر تعارض پیدا کنند بدین معنا که فرماندهان نظامی و مقامات سیاسی با توجه ضرورت نظامی بخواهند اصل تفکیک و در کنار آن لزوم اتخاذ اقدامات احتیاطی^۴ و منع حملات کورکورانه و فاقد قدرت تمیز بین اهداف نظامی و غیر نظامی^۵ را نادیده انگارند. در نقطه تقابل این دو قاعده مفهومی به نام اصل

1. The Lieber Code, Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field, prepared by Francis Lieber, promulgated as General Orders No. 100 by President Lincoln, 24 April 1863.

2. Art.14 of Lieber Code, at: http://avalon.law.yale.edu/19th_century/lieber.asp.

۳. برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص مفهوم ضرورت در عرصه‌های مختلف حقوق بین‌الملل ر.ک:

فاطمی احمد، (۱۳۹۲)، ضرورت در حقوق بین‌الملل، رساله‌ی دکتری، دکتر مهران محمودی (استاد راهنما)، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه حقوق بین‌الملل

4. Precautions in Attack.

5. Indiscriminate Attacks.

تناسب^۱ مطرح می‌گردد، اصلی که ظاهراً روشن و مشخص است ولی در عمل احراز آن دشواری‌های بسیاری را به همراه دارد. مقصود از اصل تناسب سازش دادن امتیازات عملی ناشی از یک حمله با ضرورت‌های نظامی است (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳: ۹۲). کنوانسیون‌های لاهه ۱۹۰۷ و ژنو ۱۹۴۹ اشاره‌ای به مفهوم تناسب ندارند. این اصل برای اولین بار در مواد ۵۱ (قسمت ب بند ۵) و ۵۷ (قسمت ج بند ۲) پروتکل الحاقی اول مورد اشاره قرار گرفته است. ماده ۵۷ فرماندهان نظامی را موظف می‌داند که:

از اقدام به حمله‌ای که احتمال دارد منجر به تلفات، آسیب یا خسارت اتفاقی به جمعیت یا اهداف غیرنظامی یا مجموعه‌ای از این موارد گردد و این خسارات فراتر از مزیت نظامی مستقیم و عینی مورد انتظار از حمله باشد، خودداری نمایند.^۲

مقصود از عبارت مزیت نظامی مستقیم و عینی مزیتی اساسی و نسبتاً قابل تحصیل است و مزیت‌های غیرقابل تحصیل یا مزیت‌هایی که حصول آن‌ها در بلند مدت امکان‌پذیر است مشمول این تعریف تلقی نمی‌گردد (Sandoz et al., 1987: 684). همچنین در تفسیر دستورالعمل هاروارد درخصوص جنگ‌های هوایی و موشکی بیان شده است که مزیت نظامی مزبور باید مستقیم، عینی و ملموس باشد و این مزیت نمی‌تواند صرفاً مبتنی بر تخمین یا امید و آرزو باشد.^۳

به طور کلی این مزیت نظامی، امتیاز مورد انتظار از حمله و نه مزیت حاصل از اجزای خاص حمله است (Henckaerts, 2009: 49). ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز به همین امر اشاره می‌کند.^۴ البته باید توجه داشت که این امر نباید موجب تفسیر بسیار وسیعی درخصوص مزیت نظامی گردد، زیرا در این صورت تا زمانی که جنگ پایان نیافته است نمی‌توان اصل تناسب را اعمال یا ارزیابی نمود (Byron, 2010: 193).

همچنین در ارتباط با احراز اصل تناسب عوامل دیگری مانند: اهمیت نظامی هدف مورد حمله، پراکندگی جمعیت غیرنظامی، آثار جنبی احتمالی حمله و نوع سلاح‌های مورد استفاده باید مدنظر قرار بگیرد (Byron, 2010: 194). اصل تناسب امروزه از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در حقوق مخاصمات مسلحانه برخوردار است. این اصل را باید به صورت مستقل و مجزا از سایر اصول و قواعد مورد بررسی قرار داد و نمی‌توان آن را زیرمجموعه یا جزئی از اصل تفکیک تلقی نمود

1. Proportionality.

2. Art.57 (2)(a)(iii), 1977 Additional Protocol I, at <https://www.icrc.org/ihl/INTRO/470>.

3. Commentary on the Program on Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University (HPCR) Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare, p. 92, at: <http://www.ihlresearch.org/amw/manual>.

۴. شق ۴ قسمت ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

زیرا اصل تفکیک، حمله عمدی نسبت به افراد و اموال غیرنظامی را ممنوع می‌سازد در حالی که در اصل تناسب خسارات جنبی و اتفاقی ناشی از حمله به یک هدف نظامی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

۳. اعمال اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در پرتو اسناد و آرای بین‌المللی

وضع و اعمال قواعد بشردوستانه در مخاصمات بین‌المللی با دشواری چندانی مواجه نیست، لیکن تسری دادن این قواعد به مخاصمات مسلحانه‌ی غیربین‌المللی، به خاطر مخالفت دولت‌ها، دشواری‌هایی را به همراه دارد. چراکه دولت‌ها تا حدود زیادی مخاصمات داخلی را در حیطه امور حاکمیتی و داخلی در صلاحیت داخلی خود دانسته و تمایل چندانی به اعمال مقررات بشردوستانه نسبت این نوع از مخاصمات ندارند. از سوی دیگر نیز در مخاصمات غیربین‌المللی به خاطر ماهیت و داخلی بودن مخاصمه، میزان خسارات و آسیب‌های غیرنظامی بسیار زیاد است و همین امر لزوم و اهمیت تعمیم قواعد و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نسبت به این مخاصمات را آشکار می‌سازد تا بدین ترتیب تا حدودی این خسارات کاهش یابد. در ادامه‌ی این نوشتار امکان تسری و اعمال اصل تناسب به عنوان یکی از اصول مهم و اساسی بشردوستانه در این نوع از مخاصمات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پروتکل الحاقی اول که به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی پرداخته است، در مواد ۵۱ و ۵۷ خود قواعدی همچون اصل تناسب و منع حملات کورکورانه (حملات بدون قابلیت تفکیک) را درخصوص حمایت از غیرنظامیان مقرر کرده است. ماده‌ی ۱۳ پروتکل الحاقی دوم نیز در سه بند برخی از این قواعد حمایتی را بیان کرده است. ماده ۱۳ مقرر می‌دارد که:

۱. جمعیت غیرنظامی و شهروندان عادی باید از حمایت‌های کلی در مقابل خطرات ناشی از عملیات‌های نظامی برخوردار باشند. برای تأثیر بخشیدن به این حمایت قواعد زیر باید تحت هر شرایط و اوضاع و احوالی رعایت گردد؛

۲. جمعیت غیرنظامی و شهروند عادی نباید هدف حمله قرار بگیرند. اعمال و تهدیدهای خشونت آمیزی که هدف اولیه آن‌ها گسترش ترور و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی است، ممنوع است؛

۳. جمعیت غیرنظامی باید از حمایت‌های پیش‌بینی شده در این بخش برخوردار باشند، مگر در

زمانی که مشارکت مستقیم در مخاصمه داشته باشند.

این سه بند عیناً تکرار سه بند ابتدایی ماده ۵۱ پروتکل اول است ولی سایر مقررات این ماده و همچنین مقررات ماده ۵۷ آن، در پروتکل دوم پیش‌بینی نشده است. بنابراین ماده ۱۳ نسبت به اصول اقدامات احتیاطی، تناسب و حملات فاقد قابلیت تفکیک مقرراتی وضع نکرده است. با وجود این دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی مربوط به سلاح‌های هسته‌ای بیان می‌کند که استفاده از سلاح‌هایی که قادر به تمییز بین اهداف نظامی و غیرنظامی نیستند، ممنوع است چرا که موجب مورد حمله قرار گرفتن غیر نظامیان می‌شود. به عبارت دیگر دیوان معتقد است که منع حملات کورکورانه نتیجه اصل تفکیک و عدم حمله به غیرنظامیان است و به تبع این اصل، حملات کور هم ممنوع است.^۱ با توجه به این استدلال و تحلیل دیوان، باید بیان کرد که دامنه حمایت مقرر در ماده‌ی ۱۳ پروتکل دوم فراتر از حمله عمدی به غیرنظامیان است و حملات کورکورانه و فاقد قابلیت تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی را هم دربرمی‌گیرد. با این حال همچنان اصل تناسب از ظاهر مقررات موجود در پروتکل دوم قابل استنباط نیست.

ماده‌ی ۸ (۲) (ب) (۴) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز به اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اشاره کرده است^۲ ولی در ادامه همین ماده که به جرائم جنگی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی پرداخته است، اصل تناسب مورد اشاره قرار نگرفته است و فقط اصل تفکیک بیان شده است (ماده ۸-۲-۵-۱).

همان‌گونه که قبلاً بیان شد اصل تناسب نقطه تلاقی و سنتز دو اصل تفکیک و ضرورت نظامی محسوب می‌گردد و در مواردی که ضرورت نظامی حمله به یک هدف را توجیه کرده و هدف مزبور هم نظامی باشد و در نتیجه تعارضی با اصل تفکیک نداشته باشد لیکن همچنان میزان خسارات اتفاقی ناشی از حمله نسبت به افراد و اموال غیرنظامی زیاد باشد، این اصل قابل اعمال است. و بنابراین مناسب به نظر می‌رسد که قبل از پرداختن به قابلیت اعمال تناسب در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، وضعیت این دو اصل در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی به طور اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

1. International Court of Justice (ICJ), Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996, para 78.

۲. آغاز عمدی حمله با علم به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات یا صدمات به افراد غیرنظامی یا تخریب اهداف غیرنظامی یا خسارات شدید، گسترده و دراز مدت به محیط زیست می‌شود که در مقایسه با مجموع منافع نظامی مستقیم و قطعی پیش‌بینی شده، مسلماً زیاده از حد باشد.

اصل تفکیک، دو مفهوم عمده را در برمی‌گیرد؛ مفهوم نخست، تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان که این امر صراحتاً در بندهای اول و دوم ماده ۱۳ پروتکل الحاقی دوم مورد اشاره قرار گرفته است، دومین مفهوم این اصل، تفکیک میان اموال نظامی و غیرنظامی است که این امر نسبت به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول مورد اشاره قرار گرفته است. پروتکل دوم اگرچه این امر را مقرر نکرده است لیکن در مواد ۱۴ تا ۱۶ این پروتکل حمایت‌هایی نسبت به برخی از اموال غیرنظامی وضع گردیده است و همچنین از مفهوم حمایت از غیرنظامیان در برابر حمله مستقیم نظامی در بند ۲ ماده ۱۳ می‌توان استنباط نمود که انجام حمله مستقیم علیه اموالی که به هر شیوه‌ای نظیر سکونت یا غیره، در اختیار غیرنظامیان است نیز ممنوع است (Bothe & et al, 2013: 779). کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز اصل تفکیک را به طور کلی دارای ماهیتی عرفی می‌داند که نسبت به مخاصمات غیربین‌المللی نیز قابل اعمال است (Henckaerts, 2009: 33-34).

مفهوم ضرورت نظامی و محدودیت به کارگیری ابزار و روش‌های جنگی نیز که در ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول نسبت به مخاصمات بین‌المللی وضع گردیده است، در پروتکل دوم مورد اشاره قرار نگرفته است. لیکن کمیته بین‌المللی صلیب سرخ معتقد است که با توجه به رویه و عملکرد دولت‌ها در این زمینه، امروزه ضرورت نظامی نسبت به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی ماهیتی عرفی پیدا کرده است (Henckaerts, vol. I 2009: 239-240). دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق نیز بیان می‌کند که مطابق ملاحظات بشردوستانه و عقابایی این امر که استفاده از برخی سلاح‌ها در مخاصمه بین دولت‌ها ممنوع ولی در زمانی که دولت‌ها در صدد سرکوب شورش اتباع‌شان در قلمرو سرزمینی خود هستند، استفاده از همان سلاح‌ها مجاز باشد قابل پذیرش نیست. در نتیجه آنچه در جنگ‌های بین‌المللی ممنوع است در سرکوب شورش‌ها و در مخاصمات داخلی هم باید ممنوع باشد.^۱

این دیوان هم‌چنین با اشاره به قطعنامه ۲۴۴۴ مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۶۸،^۲ که با اتفاق آراء بر لزوم اعمال اصول بنیادین بشردوستانه در تمام مخاصمات مسلحانه تأکید کرده است، بیان می‌کند که یکی از اصول بنیادین بشردوستانه این است که اختیار طرفین مخاصمه در به-کارگیری سلاح‌ها، ابزارها و روش‌های جنگی نامحدود نیست.^۳ بنابراین با تحلیل و بررسی رویه

1. ICTY, Prosecutor v. Tadic, op. cit., para. 119.

2. UNGA Res. 2444 (XXIII), Respect for Human Rights in Armed Conflicts, Dec. 19, 1968. at: <http://www.un.org/documents/ga/res/23/ares23.htm>. (seen: September 2016)

3. ICTY, Prosecutor v. Tadic, op. cit., paras. 110 and 127.

دولت‌ها و محاکم بین‌المللی و همچنین اندیشه‌های حقوقی در دهه‌های اخیر می‌توان بیان کرد که ضرورت نظامی امروزه در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی ماهیتی عرفی و لازم‌الاجرا پیدا کرده است (Crowford, 2008: 38).^۱

درارتباط با اصل تناسب نیز هرچند پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ اشاره‌ای به این اصل ندارد ولی در برخی اسناد بین‌المللی قابلیت اعمال اصل تناسب در مخاصمات غیربین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. پروتکل دوم کنوانسیون مربوط به برخی سلاح‌های متعارف ۱۹۸۱^۲ اصل تناسب را در ارتباط با به‌کارگیری بدون قابلیت تمیز و تفکیک سلاح‌ها، بیان کرده است. به موجب قسمت ج ماده ۳ این پروتکل^۳، هرگونه به‌کارگیری بدون قابلیت تفکیک تسلیحات که انتظار می‌رود به طور اتفاقی منجر به مرگ غیرنظامیان، آسیب به آن‌ها یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا ترکیبی از آن‌ها گردد و این خسارات و آسیب‌ها فراتر از مزیت نظامی مستقیم پیش‌بینی شده باشد، ممنوع است. قسمت ج بند ۸ ماده ۳ اصلاحیه پروتکل دوم درخصوص ممنوعیت مین‌ها و تله‌های انفجاری ۱۹۹۶^۴ نیز به همین موضوع در ارتباط با استفاده از مین‌ها اشاره می‌کند.

اگرچه ماده ۱ کنوانسیون سلاح‌های متعارف، قلمرو اعمال آن را فقط مخاصمات موضوع ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ یعنی مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌داند، لیکن بند دوم ماده ۱ اصلاحیه پروتکل دوم ۱۹۹۶ بیان می‌کند که این پروتکل علاوه بر موارد مذکور در ماده ۱ کنوانسیون نسبت به مخاصمات مقرر در ماده ۳ مشترک یعنی مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی هم قابل تسری و اعمال است.^۵ همچنین اصلاحیه کنوانسیون هم که در سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا گردید، دامنه شمول کل کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی آن را به مخاصمات غیربین‌المللی موضوع ماده ۳ مشترک تعمیم می‌دهد.

۱. برای مطالعه بیشتر درخصوص آرای این دادگاه بر مقررات بشردوستانه ر.ک:

کاظمی ابدی، علیرضا، (۱۳۹۵)، تأثیر آرای محاکم بین‌المللی کیفری بر شناسایی و توسعه عرف بشردوستانه بین‌المللی، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

2. Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons which may be deemed to be Excessively Injurious or to have Indiscriminate Effects, 1980.

3. Protocol II to the Convention on Certain Conventional Weapons, 1980.

4. Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Mines, Booby-Traps and Other Devices as amended on 3 May 1996.

5. Article 1. Scope of application.

1. This Protocol relates to the use on land of the mines, booby-traps and other devices, defined herein, including mines laid to interdict beaches, waterway crossings or river crossings, but does not apply to the use of anti-ship mines at sea or in inland waterways.

2. This Protocol shall apply, in addition to situations referred to in Article 1 of this Convention, to situations referred to in Article 3 common to the Geneva Conventions of 12 August 1949.

پروتکل دوم کنوانسیون سلاح‌های متعارف و اصلاحیه آن صراحتاً از اصل تناسب نام نمی‌برند، لیکن قاعده مذکور در آن‌ها مبنی بر ممنوعیت حملات موجد خسارات فراتر از انتظار، به نوعی بیان و انعکاس تعریف ارائه شده از اصل تناسب در پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ است و این مسأله اولین تصریح معاهداتی نسبت به قابلیت اعمال اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی است.

در قسمت ج ماده ۷ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ به کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه ۱۹۵۴^۱، نیز حمله‌ای که منجر به خسارت اتفاقی فراتر از مزیت نظامی مستقیم پیش‌بینی شده، نسبت به اموال فرهنگی مورد حمایت کنوانسیون گردد را ممنوع اعلام کرده است. قسمت الف ماده ۲۲ این پروتکل دامنه شمول مقررات آن را به مخاصمات مسلحانه فاقد خصیصه بین‌المللی (مخاصمات غیربین‌المللی) نیز تسری داده است. بدین ترتیب این پروتکل نیز رعایت اصل تناسب در مخاصمات غیربین‌المللی را (البته نسبت به اموال فرهنگی) مقرر نموده است.

علاوه بر اسناد ذکر شده که صراحتاً اعمال اصل تناسب در برخی زمینه‌ها در مخاصمات غیربین‌المللی را مورد اشاره قرار داده‌اند، برخی نظریات نیز مطرح گردیده است مبنی بر این که این اصل از اسناد اصلی حقوق مخاصمات بین‌المللی و بویژه پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ قابل استنباط است. مطابق این دیدگاه، هرچند اصل تناسب در پروتکل دوم بیان نگردیده است و به عبارت دیگر هیچ قاعده معاهداتی صریح در این خصوص وجود ندارد، لیکن به نظر می‌رسد که این اصل در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی قابل تسری و اعمال است. اصل تناسب جزء ذات و ماهیت اصل انسانیت^۲ تلقی می‌گردد (Bothe & et al, 2013: 780)، که رعایت این اصل در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی صراحتاً در مقدمه پروتکل دوم مورد اشاره قرار گرفته است. ممنوعیت حملاتی که اصل تناسب در آن‌ها رعایت نگردد را می‌توان به طور ضمنی از مفهوم کلی حمایت از غیرنظامیان در پروتکل دوم هم استنباط نمود (Bothe & et al, 2013: 779).

هم‌چنین بیان شده است که اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی به یک قاعده‌ی عرفی لازم‌الاجرا تبدیل شده است (Crowford, 2008: 32). در دستورالعمل‌های متعدد نظامی رعایت اصل تناسب در این قبیل مخاصمات مورد اشاره قرار گرفته است و همچنین بسیاری از کشورها در قوانین داخلی خود تخطی از این اصل را جرم‌انگاری نموده‌اند (Henckaerts, vol. I,)

1. Second Protocol to The Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict 1999.
2. Principles of Humanity.

48; 2009). سازمان‌ها و محاکم مختلف بین‌المللی نیز بر لزوم رعایت اصل تناسب تأکید کرده‌اند؛ همانند گزارش کمیسیون بین‌المللی تحقیق درخصوص دارفور که به عرفی بودن این اصل اشاره می‌کند^۱؛ یا قطعنامه ۲۰۰۰/۵۸ کمیسیون حقوق بشر ملل متحد درخصوص وضعیت چچن^۲؛ و یا محکومیت استفاده نامتناسب از نیروی نظامی در کوزوو توسط شورای امنیت ملل متحد است^۳. دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نیز در دو رأی مارتیچ^۴ و کاپرسکیچ^۵ بر اهمیت بنیادین و اساسی رعایت اصل تناسب در زمان مخاصمه اشاره و تأکید نموده است^۶.

هم‌چنین هدف از وضع قواعد بشردوستانه تضمین و تأمین حمایت هرچه بیشتر از افراد و اموال غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه است و از آنجایی که این امر در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی به خاطر ماهیت خاص آن‌ها بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد، بنابراین به لحاظ منطقی به نظر می‌رسد که اعمال این اصول و قواعد در مخاصمات غیر بین‌المللی اهمیت و ضرورت بیشتری داشته باشد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز رعایت اصل تناسب در زمان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی را دارای ماهیت عرفی و لازم‌الاجرا می‌داند^۷. این کمیته هم‌چنین در تفسیر ماده ۱۳ پروتکل دوم بیان می‌کند که هریک از طرفین مخاصمه باید با حسن نیت، اصول کلی مربوط به حمایت از جمعیت غیرنظامی نظیر اصل تناسب، که بدون توجه به بین‌المللی یا داخلی بودن مخاصمه لازم‌الاجرا هستند، را رعایت و اعمال کنند^۸. مجموع این

1. Report of the International Commission of Enquiry on Darfur to the United Nations Secretary-General, Pursuant to Security Council Resolution 1564 of 18 September; Geneva, 25 January 2005, para: 166. at: www.un.org/news/dh/sudan/com_inq_darfur.pdf. (seen: September 2016)

2. UN Commission on Human Rights. Resolution 2000/58, "Situation in the Republic of Chechnya of the Russian Federation," 25 April 2000, UN Doc. E/CN.4/RES/2000/58, at: www.un.org/en/terrorism/pdfs/2/G0014048.pdf. (seen: August 2016)

3. UN SC Res 1160, UN Doc S/RES/1160 (31 March 1998) and UN SC Res 1199, UN Doc S/RES/1199 (23 September 1998) at: <http://www.un.org/Docs/scres/1998/scres98.htm>. (seen: August 2016)

4. Martić.

5. Kupreškić.

6. ICTY, The Prosecutor v. Milan Martić, Decision, The Tribunal Issues an International Arrest Warrant Against Milan Martić, Case No. IT-95-11-I, March 8, 1996, para. 18.

at: <http://www.icty.org/case/martic/4>, and ICTY, The Prosecutor v. Kupreškić et al., Trial Judgement, Case No. IT-95-16, 14 Jan 2000, para 513. at: <http://www.icty.org/case/kupreskic/4>. (seen: September 2016)

7. International Committee of the Red Cross (ICRC), International Humanitarian Law and the Challenges of Contemporary Armed Conflicts, Report, 31IC/11/5.1.2, 2011, Geneva, Switzerland, at: <https://www.icrc.org/en/document/international-humanitarian-law-and-challenges-contemporary-armed-conflicts> (seen: September 2016), and ICRC, Guidelines for Military Manuals and Instructions on the Protection of the Environment in Times of Armed Conflict, International Review of the Red Cross, No. 311, 1996, At: <https://www.icrc.org/eng/resources/documents/misc/57jn38.htm>. (seen: September 2016)

8. ICRC Commentary on the additional protocols of 8 June 1977 to the Geneva conventions of 12 August 1949, Sandoz, op. cit., pp. 1450-1451.

استدلال‌ها و نیز رویه و عملکردها را می‌توان اماره‌ای دانست مبنی براین که اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی تبدیل به یک قاعده عرفی شده و لازم‌الاجرا تلقی می‌گردد.

۴. نتیجه‌گیری

اصل تناسب امروزه جایگاه نسبتاً مهمی در حقوق مخاصمات بین‌المللی پیدا کرده است به گونه‌ای که دادگاهی نظیر دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق در آرای متعدد خود به این اصل پرداخته است. در ارتباط با امکان اعمال اصل تناسب در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی جای هیچ تردیدی وجود ندارد، لیکن اعمال و اجرای این اصل در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، با توجه به سکوت پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ در این زمینه، محل تأمل و بررسی است.

همان‌گونه که بیان گردید برخی اسناد بین‌المللی مرتبط با مخاصمات مسلحانه و یا جنگ‌افزارها که پس از پروتکل الحاقی دوم وضع شده‌اند نظیر پروتکل دوم کنوانسیون سلاح‌های متعارف ۱۹۸۱ اصل تناسب را در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی قابل اجرا دانسته‌اند. هم‌چنین می‌توان از مفهوم اصل انسانیت و مفهوم کلی حمایت از غیرنظامیان در زمان مخاصمات مسلحانه که در پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ مورد اشاره قرار گرفته است نیز اصل تناسب را استنباط نمود. با این وجود اگر اصل تناسب به طور ضمنی از مقررات معاهده‌ای موجود هم قابل استنباط دانسته نشود، باز هم تناسب در این نوع از مخاصمات قابلیت اجرا دارد چرا که این اصل امروزه ماهیت عرفی پیدا کرده است و در تمام مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی قابل اعمال و لازم‌الاجرا است.

دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق نیز در برخی آرای خود به این امر پرداخته است و همان‌گونه که مورد اشاره قرار گرفت این دادگاه و هم‌چنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ معتقدند که مرز میان اقسام مخاصمات مسلحانه باید حذف گردیده و مقررات موجود نسبت به مخاصمات بین‌المللی باید در مخاصمات غیربین‌المللی نیز قابل اعمال باشد. از لحاظ منطقی نیز با توجه به این که هدف اصل تناسب حمایت از غیرنظامیان و اموال غیرنظامی در مقابل خسارات جنبی و اتفاقی ناشی از حمله است و در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی و داخلی نیز احتمال بروز و ایراد چنین خساراتی به مراتب بیشتر از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است، در نتیجه باید اصل تناسب را در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نیز قابل اعمال دانست. البته در خصوص مفهوم دقیق و

دامنه اصل تناسب ابهاماتی وجود دارد که نیازمند بررسی و تأمل هستند، لیکن درارتباط با امکان اعمال آن در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی تردیدی وجود ندارد.

Archive of SID

منابع

الف - فارسی

- ایسون، نات، (۱۳۸۷)، *رزمندگان و غیر رزمندگان*، ترجمه کتابیون حسین نژاد، در: فلک دیترو (ویراستار)، *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*، به اهتمام و ویرایش سید قاسم زمانی و نادر ساعد، کمیته ملی حقوق مخاصمات، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- ممتاز، جمشید و شایگان، فریده، (۱۳۹۳)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر چالش‌های مخاصمات مسلحانه عصر حاضر*، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۹۳)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی*، چاپ چهارم، تهران: میزان.
پایان‌نامه‌ها

- فاطمی، احمد، (۱۳۹۲)، *ضرورت در حقوق بین‌الملل*، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

- کاظمی ابدی، علیرضا، (۱۳۹۵)، *تاثیر آرای محاکم بین‌المللی کیفری بر شناسایی و توسعه عرف بشردوستانه بین‌المللی*، رساله‌ی دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

ب - انگلیسی

Books

- Bothe, Michael, Partsch, Karl Josef, Solf, Waldemar A. (2013), *New Rules for Victims of Armed Conflicts; Commentary on the Two 1977 Protocols Additional to the Geneva Conventions of 1949*, Martinus Nijhoff Publishers, Leiden.

- Gardam, Judith, (2004), *Necessity, Proportionality and the Use of Force by States*, Cambridge, Cambridge University Press.

- Henckaerts, Jean-Marie, H and Doswald-Beck, Louise, (2009), *Customary International Humanitarian Law*, International Committee of Red Cross, Cambridge, V.I: Rules.

- Henckaerts, Jean-Marie, H and Doswald-Beck, Louise, (2009), *Customary International Humanitarian Law*, International Committee of Red Cross, Cambridge, V.II: Practice.

- Melzer, Nils, (2008), *The Principle of Distinction under International Humanitarian Law*, in: Melzer Nils, *Targeted Killing in International Law*, Oxford University Press.

- Meron, Theodor, (2006), *The Humanization of International Law*, Leiden, Martinus Nijhoff Publishers.

- Sandoz, C, Swinarski C, Zimmerman B (eds), (1987), *Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949*, Geneva, ICRC and Dordrecht, Martinus Nijhoff.

Articles

- Byron, Christine, (2010), "International Humanitarian Law and Bombing Campaigns: Legitimate Military Objectives and Excessive Collateral Damage", *Yearbook of International Humanitarian Law*, Vol. 13.

- Crawford, Emily, (2008), "Blurring the Lines between International and Non-International Armed Conflicts", *The Evolution of Customary International Law Applicable in Internal Armed Conflict*, *Australian International Law Journal*, Vol. 15.

- Dinstein, Yoram Dinstein, (last ed. 2009), "Military Necessity", *Max Planck Encyclopedia of Public International Law [MPEPIL]*.

- Forrest, Craig J.S., (2006), "The Doctrine of Military Necessity and the Protection of Cultural Property During Armed Conflicts", *California Western International Law Journal*, Vol. 37, No. 2.

- Hayashi, Nobuo, (2010), "Requirements of Military Necessity in International Humanitarian Law and International Criminal Law", *Boston University International Law Journal*, Vol. 28, No. 1.

- kasher, Asa, (2006), "The Principle of Distinction", *Journal of Military Ethics*, Vol. 6, No. 2.

- Meron, Theodor, (2000), "The Humanization of Humanitarian Law", *American Journal of International Law*, Vol. 94.

Documents

- Commentary on the Program on Humanitarian Policy and Conflict Research (HPCR) Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare, (2010).

- Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May be Deemed to be Excessively Injurious or to

have Indiscriminate Effects, (1981).

- International Committee of the Red Cross (ICRC), (1996), Guidelines for Military Manuals and Instructions on the Protection of the Environment in Times of Armed Conflict, International Review of the Red Cross, No. 311.

- International Committee of the Red Cross (ICRC), (2011), International Humanitarian Law and the Challenges of Contemporary Armed Conflicts, Report, 31IC/11/5.1.2, Geneva, Switzerland.

- International Institute of Humanitarian Law, (2006), The Manual on the Law of Non-International Armed Conflict, Sanremo.

Program on Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University (HPCR), Harvard Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare, 2009.

- Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977.

- Protocol II to the Convention on Certain Conventional Weapons, 1981.

- Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Mines, Booby-Traps and Other Devices as amended on 3 May 1996.

- Report of the UN Commission of Enquiry on Darfur to the United Nations Secretary-General, Pursuant to.

- Second Protocol to the Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict 1999.

- Security Council Resolution 1564 of 18 September; Geneva, 25 January 2005.

- The Lieber Code, Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field, prepared by Francis Lieber, promulgated as General Orders No. 100 by President Lincoln, 24 April 1863.

- United Nations Commission on Human Rights. Resolution 2000/58, "Situation in the Republic of Chechnya of the Russian Federation," 25 April 2000, UN Doc. E/CN.4/RES/2000/58.

- United Nations (UN) Security Council Resolution 1160, UN Doc S/RES/1160 (31 March 1998) and UN SC Res 1199, UN Doc S/RES/1199 (23 September 1998).

- UNGA Res. 2444 (XXIII), Respect for Human Rights in Armed Conflicts, Dec. 19, 1968.

Cases

- International Court of Justice, (1996), Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons (Advisory Opinion).

- International Criminal Tribunal for Yugoslavia (ICTY), The Prosecutor v. Kupreškić et al., Trial Judgement, Case No. IT-95-16, 14 Jan 2000, para 513.

- International Criminal Tribunal for Yugoslavia (ICTY), The Prosecutor v. Milan Martić, Decision, The Tribunal Issues an International Arrest Warrant Against Milan Martić, Case No. IT-95-11-I, March 8, 1996, para. 18.

- International Criminal Tribunal for Yugoslavia (ICTY), Prosecutor v. Tadic, Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, Appeals Chamber, Case IT-94-1, (Oct. 2, 1995).

Archive of SID

Archive of SID